

## تحلیل بازتاب بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان کهگیلویه و بویراحمد

محمد رضا شریعتی راد<sup>۱</sup> غلامحسین شریفی\*<sup>۲</sup> اسحاق طغیانی<sup>۳</sup>

(دریافت: ۱۳۹۸/۵/۲۶ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۴)

### چکیده

آیین‌ها از جمله مناسکی هستند که سبب گردهمایی مردم و حفظ و بازتولید بن‌مایه‌های فرهنگی در هر قوم می‌شوند. در میان مردمان کهگیلویه و بویراحمد آیین‌هایی وجود دارند که ضمن ریشه داشتن در ایران باستان، بن‌مایه‌های گیاهی را نیز نشان می‌دهند؛ از جمله این آیین‌ها که امروزه نیز گاه با همان سبک و سیاق گذشته انجام می‌شود، می‌توان به آیین پل‌برون و شربت‌خوانی، قربانی، بلاگردانی و چاله‌گرم‌کنون اشاره کرد. آیین پل‌برون در فقدان همسر انجام می‌شود که زنان موهای خود را پس از گشودن می‌برند و در زیر درخت بلوط دفن می‌کنند. در آیین قربانی، حیوان مورد نظر زیر درخت بلوطی در بالای کوه و یا در زیر بوته‌ای در کنار رودخانه قربانی می‌شود تا خون آن به نشانه باروری زمین ریخته شود. در آیین بلاگردانی نیز ضمن بستن تکه پارچه‌هایی به درخت برای رفع چشم‌زخم، از گیاهان کوهی نیز برای بلاگردانی استفاده می‌شود. در آیین چاله‌گرم‌کنان، ضمن بردن سبزه بر سر قبور در پیش از عید نوروز، آشی با هشت چوب بلوط پخته و در بین مردم اهالی تقسیم می‌شود. هدف این پژوهش، تحلیل بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان کهگیلویه و بویراحمد، با توجه به جنبه‌های ادبی این بن‌مایه‌ها در اشعار محلی آنهاست. این پژوهش به شکل بنیادی، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای - میدانی و به روش تحلیل محتوای کیفی

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری ادبیات حماسی، دانشگاه اصفهان.

<sup>۲</sup>. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

\*gsharifi22@yahoo.com

<sup>۳</sup>. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان.

و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شده است. بسیاری از بن‌مایه‌های گیاهی مانند پل‌نران، بلاگردانی و دود دادن، ریختن خون بر خاک در آیین قربانی و بردن سبزه بر سر، در آیین‌های مردمان کهگیلویه و بویراحمد نمودی اساطیری دارد که در فرهنگ ایران باستان یافت می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** آیین، مناسک، بن‌مایه‌های گیاهی، مردمان کهگیلویه و بویراحمد.

#### ۱. مقدمه

مراسم آیینی وسیله‌ی اجرایی آموزه‌ها و دستوره‌های دینی و مذهبی در هر جامعه و بیشتر برای تعدیل افراط و تفریط‌های رفتاری اعضای آن جامعه است. بنابراین، در همه فرهنگ‌ها و ادیان، روزهایی وجود دارد که برای بزرگداشت و یادآوری رویدادهایی مانند برگزاری آیین‌ها، مراسم‌ها، شادی و سوگواری از سوی پیروان آن‌ها انجام می‌شود. هر آیین بن‌مایه‌های فرهنگی و اساطیری یک قوم را نشان می‌دهد و مردم با انجام این آیین با سبک خاص خود، گویی به بازتولید آن‌ها می‌پردازند. در میان مردمان کهگیلویه و بویراحمد آیین‌هایی مانند پل‌برون و شربه‌خوانی، قربانی، بلاگردانی و چاله‌گرم‌کنان وجود دارد که بن‌مایه‌های اساطیری گیاهی مربوط به دوران کهن را همچنان حفظ کرده‌اند و حتی برخی از آن‌ها در اشعار، ضرب‌المثل‌ها، دعاها و نفرین‌های مردمان این منطقه حفظ شده است. در این پژوهش به تحلیل بازنمود این بن‌مایه‌ها در آیین‌ها و فرهنگ مردمان کهگیلویه و بویراحمد با تکیه بر اشعار محلی آنان می‌پردازیم.

دلیل انتخاب مردمان کهگیلویه و بویراحمد برای انجام این پژوهش آن است که بررسی میدانی در مناطقی که هنوز دست‌نخورده باقی مانده است، نشان می‌دهد که با وجود گذشت سده‌های فراوان، باورهای اساطیری و آیینی همچنان زنده است و با اندکی تغییر و تحول به حیات خود ادامه می‌دهد. فرهنگ مردم این منطقه به دلیل وجود کوهستان‌های صعب‌العبور، بافت اساطیری و آیین‌های کهن همچنان شکل اولیه خود را حفظ کرده و کمتر دچار دگرگونی شده است. همچنین، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که فرهنگ بومی آنان سرشار از بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و آیینی است که ضمن ریشه داشتن در فرهنگ ایران باستان، امروزه نیز با همان سبک و سیاق گذشته، پویا و زنده است و به وسیله مردم این نواحی بر پا داشته می‌شود.

درک و بیان تقدس درخت و گیاه و بن‌مایه‌های اساطیری آن در آیین‌های مردمان کهگیلویه و بویراحمد، چگونگی استمرار این تقدس از ایران باستان تاکنون و بیان کارکرد اجتماعی این آیین‌ها از جمله ضرورت‌های انجام این پژوهش است. آشنایی با بازنمود بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان این منطقه و اشعار محلی آنان، هدف اصلی این پژوهش است.

## ۲. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نظر هدف، بنیادی و از حیث گردآوری داده‌ها، بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای - میدانی و به روش تحلیل محتوای کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انجام شده است و نگارندگان داده‌های پژوهشی خود را درباره بازنمود بن‌مایه‌های اساطیری درخت و گیاه در آیین‌های مردمان کهگیلویه و بویراحمد، علاوه بر استفاده از منابع و اسناد کتابخانه‌ای، در شیوه میدانی از روش مصاحبه با برخی از مردم کهگیلویه و بویراحمد گردآوری کرده‌اند.

**مراحل انجام پژوهش:** در گام نخست، موضوع مورد نظر با اهداف منطقی و علمی، انتخاب و در گام دوم، با بررسی ادبیات، منابع و اسناد مرتبط با موضوع پژوهش، مؤلفه‌های متناسب با بن‌مایه‌های گیاهی در فرهنگ مردمان کهگیلویه و بویراحمد شناسایی شد. در گام سوم، با اتخاذ رویکرد پژوهش و روش تحلیل محتوای کیفی، ویژگی‌ها و مقوله‌های مربوط به بازنمود بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌های این مردمان استخراج و در نهایت، در گام چهارم، با ادغام و تلفیق مقوله‌های مشابه، مؤلفه مناسب تحلیل، استنتاج و مفهوم‌سازی شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری سنتی و خوانشی موجی شکل (ر.ک: صادقی‌فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۷۵) و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در ارتباط با گروهی از مردم منطقه است.

**روش کتابخانه‌ای:** محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی - محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند و طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست. همچنین، یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی، نظریه‌پردازی به جای آزمون نظریه است (ایمان، ۱۳۸۸: ۱۷۲). تحلیل محتوای کیفی به

پژوهشگران اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. همچنین، با رفتن (توجه) به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون، تم‌ها یا الگوهای آشکار یا پنهان را به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (همان، ۱۷۵).

**روش میدانی:** مصاحبه‌های میدانی درباره آیین‌ها و نیز گردآوری اشعار محلی در روستاهای استان کهگیلویه و بویراحمد انجام شده است. ابتدا نگارندگان به پنجاه روستای کوهستانی شهرستان‌های دنا و بویراحمد که دارای قدمت بیشتری است و هنوز بافت قدیمی آن‌ها دست‌نخورده باقی‌مانده است، سفر کرده و طی مصاحبه با سال‌خوردگان این مناطق، داده‌های میدانی خود درباره بازنمود بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌ها جمع‌آوری کرده است. همچنین نگارندگان پرسش‌هایی را مطرح می‌کردند که درباره چگونگی برگزاری آیین‌ها و ارتباط آن‌ها با درخت و گیاه از افراد شناسایی‌شده- ای بود که سواد قدیمی داشتند یا مُلا خوانده می‌شدند. گفتار افراد مصاحبه‌شده را ضبط و کدگذاری کرده و از گویش لری به زبان فارسی برگردانده است. سپس، مطالب مهم و مرتبط با موضوع مورد پژوهش را یادداشت‌برداری کرده و به تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده پرداخته است.

### ۳. پیشینه پژوهش

با بررسی‌ها و جست‌وجوهای کتابخانه‌ای در مجلات و سایت‌های معتبر علمی، از جمله [Noormags.com](http://Noormags.com)، [sid.ir](http://sid.ir)، [magiran.com](http://magiran.com) and [irandoc.ir](http://irandoc.ir) تاکنون درباره بازنمود بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان کهگیلویه و بویراحمد پژوهشی صورت نگرفته است؛ اما برخی از پژوهش‌ها به صورت غیرمستقیم بر برخی از مؤلفه‌ها، به این موضوع به‌طور پراکنده اشاره کرده‌اند. مانند:

۱. بهار مختاریان (۱۳۸۷). «موی بریدن در سوگواری». *نامه فرهنگستان*. شماره ۴ (پیاپی ۴۰). صفحات ۵۰ - ۵۵. این مقاله به‌طور کلی به موضوع موی بریدن در فرهنگ ایران باستان و شاهنامه فردوسی و همچنین، نمونه‌های جهانی آن اشاره کرده است؛ حال آنکه پژوهش ما به صورت جزئی به این موضوع و علل انجام آن در آیین پل‌برون مردمان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته است.

۲. سوده مقصودی و پژمان شیرمردی (۱۳۹۳). «بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تأکید بر تحلیل محتوای موسیقی گاگریو». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. دوره ۶، شماره ۲، صفحات ۲۰۹ - ۳۲۹. در این پژوهش، بر موسیقی خاص محلی گاگریو (Gagriva) در مراسم سوگواری مردم بختیاری اشاره شده است. در پژوهش ما این موضوع در ذیل آیین شربه‌خوانی تحلیل شده است.

۳. محمود آقاخانی‌بیژنی و همکاران (۱۳۹۶). «باور بلاگردانی در قوم بختیاری». *فرهنگ و ادبیات عامه*. سال ۵. شماره ۱۴. صفحات ۴۹ - ۶۷. در این پژوهش نویسندگان به انواع بلاگردانی‌های خونی و غیرخونی در قوم بختیاری پرداخته و اشاره به موضوع درخت بلوط یا بوته در آیین قربانی نکرده‌اند. در این پژوهش به موضوع انجام قربانی زیر درخت بلوط در بالای کوه و بوته در کنار رودخانه پرداخته شده است.

۴. محمدحسن کرمی و سید برزو جمالیان‌زاده (۱۳۹۳). «بررسی شروه‌خوانی و شروه‌سرایی به گویش لری در شهرستان کهگیلویه». *فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران‌زمین*. دوره ۴. شماره ۱. صفحات ۱۵۵ - ۱۸۰. نویسندگان به این نتیجه رسیده‌اند که شروه در کهگیلویه و بویراحمد بیشتر به سوگ‌سرودهایی گفته می‌شود که به مناسبت مرگ اشخاص و به وسیله زنان خوش صدا با لحنی بسیار غم‌انگیز و تأثیرگذار خوانده می‌شود. در این پژوهش به چگونگی مراسم شربه‌خوانی، زمان خوانش آن، بازنمود بن-مایه‌ها و نمونه‌های شعری آن پرداخته شده است.

ابتدا، در این پژوهش از آیین‌های مرتبط با مو و درخت در میان مردمان کهگیلویه و بویراحمد سخن می‌رود و سپس با استفاده از گزارش‌های انسان‌شناسان و همچنین، مصاحبه‌های میدانی، جنبه‌های اسطوره‌ای، باستانی و ادبی این آیین‌ها معرفی می‌شود.

#### ۴. بحث و بررسی

##### ۴ - ۱. تحلیل بن‌مایه‌های گیاهی در آیین پل‌برون

در فرهنگ مردمان کهگیلویه و بویراحمد، آیین سوگواری با تشریفات و آداب و رسوم خاصی برگزار می‌شود و معمولاً نشانه‌هایی از ارتباط میان مو بردن و درخت بلوط در فرهنگ این مردمان وجود دارد. آیین «پل برون» (گیسو برون) در سوگواری که نماد مرگ و زندگی برای زنان محسوب می‌شود و «تپ زیر گِل» (موی سر زیر خاک ریختن) در هنگام

فصل بهار که نماد باروری و سرسبزی و دوری از بیماری‌های است، در میان مردمان کهگیلویه و بویراحمد با کارکردهای گوناگون رواج دارد.

موی بریدن زنان در سوگواری از اعمالی است که در تمامی فرهنگ‌ها نمودی آشکار دارد و دنباله‌رو آیین کهن و بازتاب اساطیر کهن ایران است. این آیین در شاهنامه و همچنین، مناطق پیرامون زاگرس و به‌ویژه در اقوام لر و کرد، به صورت گسترده و با حفظ بسیاری از مؤلفه‌های اساطیری آن منعکس شده است.

پیشینه آیین سوگواری و موی بریدن از سوی زنان به اساطیر ایران باستان بر می‌گردد که در شاهنامه نمودی آشکار دارد. به دنبال کشته شدن و یا مرگ شخصیت مهم ایرانی در شاهنامه، آیین سوگواری مانند موی گشودن، موی بریدن، ناله و خروش، نوحه‌سرایی، نگوئسار کردن کوس و تیره و آداب مربوط به تدفین و خاک‌سپاری به شکلی جان‌سوز و کامل بیان شده است. همین مؤلفه‌ها را در آیین سوگواری مردمان کهگیلویه و بویراحمد نیز مشاهده می‌کنیم.

زنان اقوام لر مانند کهگیلویه و بویراحمد، بختیاری‌ها (ر.ک: بختیاری، ۱۳۶۲: ۱۹۹) و لرستان، در هنگام سوگواری عزیز ازدست‌رفته و به‌ویژه در هنگام مرگ شوهر، موی سر را می‌کشایند و آن را می‌برند و بر سر قبر متوفی می‌ریزند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۸). همچنین، همراه آن صورت خود را می‌کنند و زخمی می‌کنند و به موهای خود چنگ می‌زنند و آن را می‌کنند. این رفتار آیینی زنان کهگیلویه و بویراحمد، شامل دو جنبه است: گشودن موی سر و دیگر، بریدن آن در سوگ عزیز ازدست‌رفته - از جمله شوهر - رسمی بسیار گسترده است و سابقه‌ای طولانی در فرهنگ ایران باستان دارد و در شاهنامه فردوسی - هنگام مرگ سیاوش از سوی فریگیس - نیز دیده می‌شود (فردوسی، ۱۳۹۳: ۲/۳۵۹).

موی ژولیده یا بریده نشان اندوه و سوگواری است و نشان‌دهنده جنبه زیان‌آور قدرت زنانه در رویارویی با غم و سوگ است (کوپر، ۱۳۹۲: ۳۷۵). این موضوع در نزد اقوام لر زبان با همین مفهوم وجود دارد. «پَل بُرون» (گیسوئران) یکی از رفتارهای آیینی مرتبط با مو در هنگام سوگواری در نزد مردمان قوم کهگیلویه و بویراحمد (و دیگر اقوام لر زبان) است. «پَل» در زبان لری به موی بلندی گفته می‌شود که بیشتر در پشت سر

قرارگرفته است و تا کمر آویزان شده باشد (حسن‌زاده‌راهدار، ۱۳۹۵: ۲). نقش مو در مراسم خاک‌سپاری و سوگواری و بریدن آن با ایزد بانوی مادر بزرگ نسبت دارد؛ زیرا «آیین‌ها و اسطوره‌های باستان در ارتباط تصویر این ایزد بانو با آیین سوگواری و پیوند با جهان دیگر را نشان می‌دهند. این ایزد بانو که حامی مردگان تصور می‌شد، سرچشمه مرگ و زندگی تلقی می‌گردد» (مختاریان، ۱۳۸۷: ۵۰)؛ به همین دلیل است که زنان در سوگواری موی خویش را که نمادی از باران است، می‌بریدند و از همین‌جاست که آیین بریدن مو در سوگواری مرسوم شده است.

پیوند نمادین مو با باران و گیاه را در بسیاری از فرهنگ‌ها می‌توان نشان داد. مختاریان (۱۳۹۲: ۱۲۵) جنبه نمادین موی در ارتباط با گیاه را در شخصیت سیاوش نشان داده است. «داستانی که هرچند در شاهنامه و در سده چهارم قمری شکل می‌گیرد؛ اما به دوران پیشازرتشتی تعلق دارد» (زاویه و مافی‌تبار، ۱۳۹۲: ۱۰۹). در ابیاتی که آورده می‌شود بر این مهم تأکید شده است:

جدا گشت ازو کودکی چون پری      به چهره به‌سان بت آزری  
جهان گشت از آن خرد پُر گفت‌وگوی      کز آن گونه نشنید کس روی و موی  
(فردوسی، ۱۳۹۳: ۲/۲۰۶ - ۲۰۷)

گفتنی است که آیین موی‌کندن فقط مختص زنان نبوده است و در مردان هم دیده می‌شود. چنانکه در شاهنامه فردوسی (همان، ۱/ ۸۷۳) نیز شاهد آن هستیم. در نزد مردمان کهگیلویه و بویراحمد، داشتن موهای بلند از ارزش‌های والای زنانه محسوب می‌شود که دارای اهمیت و احترام بالایی است و در اشعار محلی آنان نیز بازتاب یافته است. موی جلوی سر بانوان این ناحیه از فرق باز و به صورت لوله‌ای پیچیده می‌شود. سپس، از زیر روسری یا لچک بیرون می‌افتد و جلوی لباس قرار می‌گیرد که در اصطلاح محلی مردمان تورنه (Torne) گفته می‌شود. همچنین، موی سر بانوان کهگیلویه و بویراحمد یکی از دلایل زیبایی آنان است؛ به همین دلیل هر گاه کسی فوت می‌کند - به‌خصوص اگر جوانی باشد - زنان کهگیلویه و بویراحمد برای نشان دادن اوج ناراحتی و تأسف خود، موی سرشان را می‌کنند تا نشان دهند دیگر به فکر زیبایی نیستند و «بعد برای منتشر نشدن غم و ناراحتی آن را خاک می‌کنند» (مصاحبه با

مصاحبه‌شوندگان). علاوه بر چیدن و بریدن موی سر، یقه پیراهن خود را نیز پاره می‌کنند. سنت جامه چاک کردن از هزاره‌های پیش از میلاد در ایران باستان وجود داشته و بیانگر رواج این سنت در بیان اقوام ایرانی بوده است (ویدن‌گرن، ۱۳۷۷: ۶۴). خاک و گل بر سر ریختن یکی از دیگر اعمال مربوط به سوگواری در نزد ایرانیان است و چنین عملی قدمتی دیرینه دارد و در شاهنامه بارها پهلوانان در مرگ عزیزانشان خاک و گل بر سر خود می‌ریزند، چنانکه در توصیف رفتار گشتاسب در سوگ زریر مشاهده می‌کنیم (فردوسی، ۱۳۹۳: ۲ / ۶۱).

با توجه به همین جایگاه و ارزش موی زنان کهگیلویه و بویراحمد است که یکی از نفرین‌های معمول آن‌ها به دشمن یا رقیب خود بوده است - که امروزه نیز کاربرد دارد - پل‌بری و یقه دریدن است:  
سی گوت پیرن پاره کنی

(si gout piran pāra koni)

برگردان: برای برادرت (و ممکن است نام پدر را نیز در صورتی که جوان باشد، به کار ببرند) پیراهن پاره کنی؛ یعنی اینکه شویت بمیرد.  
یا: پِلَت سی میرت بُری

(paleta si mirat bori)

برگردان: موها تا برای شوهرت ببری  
این نفرین معمولاً در حق زنان جوان تازه شوهر کرده کاربرد فراوان دارد. داغ همسر جوان در میان لرزبانان دردناک است و به‌ویژه آنجا که زن تا مدت یک سال در سوگ همسرش در خانه باقی بماند و ازدواج نکند. اگرچه امروزه برای زنان جوان این رسم تا مراسم چهلم تخفیف یافته است؛ اما معمولاً آنان تا یک سال و تا بلند شدن موهایشان در خانه می‌مانند.

در برگزاری آیین «پِل بُرون»، از سوی زنان اشعاری سروده می‌شود که بسته به شخص متوفی نسبت به زن، مرد، پیر، جوان و یا حتی نوع مرگ متفاوت است. مهم‌ترین جنبه‌های ادبی این آیین در نزد مردمان کهگیلویه و بویراحمد از جمله اشعاری است که آورده می‌شود که به بن‌مایه‌های گیاهی اشاره دارد:

شیرمُ‌های! پِل سیت بُرام چی برگ بلی      ئی هئوال کی بره وه دره زیر؟



تحلیل بازتاب بن‌ماه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان... \_\_\_\_\_ محمدرضا شریعتی راد و همکاران

شیرم‌های! شیر اشکناد سیش بُورین پَل  
پَل برون سا بَرِد شیر وردستِ تیشتر

Shirom hi pal sit borām □i barge      Ei havale ki bare va dara-e- zir  
bali  
Shirom hi shir eshkanad siš bovrin      Palboron sa barde shir vardaste tishtar  
pal

برگردان: ای شیر من (متوفی) در دره‌ها زیر گیسوانم را همانند برگ بلوط می‌برم تا چه کسی این اخبار مرگ و گیسوبران مرا به مردم برساند. شیر من، شیری را شکست داده است؛ پس برایش گیسو ببرید و آن را در سایه‌ای از «بَرِد شیری» در کنار دست تیشتر انجام دهید.

یا:

جَوون وِ ای خُوبی وِ جَوُون وِ ای مَلوسی      پَل دَویتَه بُهرنِ که سیت نیگرَه عَروسی  
Javon va ei khobi Javon va ei malosi /pal dovaita bohren ke sit nagereh arosi  
برگردان: جوان به این خوبی، زیبایی و خوشکلی است. موهای مادرت بریده باد که برایت عروسی نگرفت. بریدن مو در عزاداری‌ها، نوعی شیون و نشان دادن غم فراوان است.

یا:

وِ جَوُونی چه خیرِته که وَهسی مین بَندِ گرما      زَلْفَلتِ اُوریشمِه وِ لاوِلا ایخَرِه با  
Va javoni che khirete ke vahsiye va bande garma  
zolfalet aorisheme vo lavla ikhare bad  
برگردان: از جوانی چه خیری دیدی که رو به آفتاب دراز افتاده‌ای و موهایت که همانند گل آویش‌اند لا به لا (رشته به رشته) باد آن‌ها را تکان می‌دهد.

یا:

مُو خَارِ خَشکِ کَنگَرُمِ که بای ایاره اِبَرُم      برف پُویز اُمه وِ ریم جونم لو گِرُهتِمِه  
Mo □□re □oshke kangarom ke b□y ey□re ibarom      barf-e- poviz oma va  
rim joonma low grohteme  
برگردان: من مانند خار خشک خشکیده کنگری هستم که باد مرا با خود می‌برد، برف پاییزی مرا پوشانده و جانم به لب رسیده است (داوری، ۱۳۸۱: ۵).

اشعار ذکرشده به‌خوبی نشان می‌دهد که از گذشته تا به امروز، موی کندن در میان زنان کهگیلویه‌وبویراحمد - و همچنین، دیگر لرزبانان - نوعی اطلاع‌رسانی و همدلی با خانواده متوفی است. همچنین، می‌بینیم که مو بریدن را به برگ درخت بلوط یا

برگ‌های آویشن (نوعی گیاه خوشبو) تشبیه کرده‌اند. این اشعار نشان از رابطه مهم میان مو و درخت اشاره دارند.

در میان مردمان این منطقه، زنان برای از بین بردن غم، موی سر خود را به شاخه درختی که آب از زیر آن می‌گذرد، آویزان می‌کنند تا غم عزیز ازدست‌رفته از بین برود (مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان). معمولاً در این هنگام خطاب به آب - با توجه به نقش اساطیری آن در عمل شستن و پاک کردن (ر.ک: هینلز، ۱۳۹۳: ۵۸) - چنین می‌گویند: اوو رو تلخی سوگم ببر تا شادی بیایه

#### Ow rwo talkhi sougom bebar ta sh□di biyaye

برگردان: آب روان غم سوگواری مرا با خودت ببر تا از این پس شادی سراغم بیاید.

خاک کردن موی سر در زیر درخت بلوط، ازجمله مؤلفه‌های مراسم سوگواری و آیین پل بُرون است. گیاه و آب در نمادپردازی اندام‌های انسان با مو پیوند یافته‌اند (مختاریان، ۱۳۹۲: ۱۲۱) و نماد باروری و حیات‌اند و با زمین و زن از این منظر ارتباط پیدا می‌کنند (الیاده، ۱۳۷۶: ۲۸۵). پس بین انسان و هر پاره‌ای از او مانند مو (یا ناخن) ارتباط جادویی همدلانه برقرار است (فریزر، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

در منابع دینی فارسی میانه، پیوند نمادین مو و گیاه مکرر یاد شده است: «اهورامزدا گیاهان را از موی خود آفرید» (روایت پهلوی، ۱۳۶۷: ۵۴) و این مهم بیانگر آن است که ارتباط مو و گیاه در فرهنگ ایرانی موضوعی آشناست. پس نمادپردازی آب و باران در پیوند با مو نیز بن‌مایه‌ای آشنا در ارتباط با ایزد بانوی مادر است (مختاریان، ۱۳۸۷: ۵۴). بنابراین دفن موی سر - و بیشتر موی زنان - در زیر درخت بلوط بعد از اتمام عزاداری از سوی همسر متوفی و نیز به‌طور معمول از سوی تمامی زنان مردمان کهگیلویه و بویراحمد در هنگام فصل بهار - که با باران و زایش دوباره طبیعت در پیوند است - نماد زندگی است. رفتاری که جنبه این‌همانی مو با حیات دارد و از این رو، شانه کردن موی سر و جمع کردن و دفن آن زیر درخت معادل باروری و سرسبزی و همیشه جوان است. زنان کهگیلویه و بویراحمد نیز بر اساس همین عقیده، پس از سوگواری موهای سر خود را زیر درخت بلوط دفن می‌کنند.

علاوه بر اشعار مربوط به آیین «پل بُرون»، می‌توان به اصطلاح «پل بُریده» - که گاهی جای نفرین هم به‌کار می‌رود - اشاره کرد. معمولاً این نفرین از سوی خود زنان

تحلیل بازتاب بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان... \_\_\_\_\_ محمدرضا شریعتی راد و همکاران

به دخترانشان و کمتر از سوی مردان خطاب به زنان است و اگر هم وجود داشته باشد برای تهدید به کار می‌رود؛ اما امروزه به‌عنوان یک ضرب‌المثل به کار گرفته می‌شود. این ضرب‌المثل با معنای منفی مخصوص حالتی است که رفتار یک زن یا دختر جنبهٔ ضد هنجار و عرف داشته باشد. گاهی خطاب به مرد، اما برای به سخره گرفتن آن است:

پَل دات سیت بُهرا

Ple d t seet bohra

برگردان: موی سر مادرت برای تو بریده باد...

#### ۴-۲. تحلیل بن‌مایه‌های گیاهی در آیین شربه‌خوانی

موسیقی شربه (Sharbah) با موی کندن و پذیرش مهمانان عزا همراه است. شروه‌خوانی نوعی نوای غمگین به معنای گریستن بر مرده در مناطق روستایی و عشایری کهگیلویه و بویراحمد است. این آیین فارغ از همهٔ موسیقی‌های مدرن امروزی، با لحن و آهنگی اندوه‌بار از سوی زنان و دختران این دیار انجام می‌شود. یکی از مرثیه‌های متداول در آیین شروه‌خوانی، «هوهوی» در جواب تک‌خوان (شروه‌خوان) است که این نوع مرثیه هم‌اینک در آیین ختم و عزاداری‌های آنان نیز مرسوم است. شماری از زنان و دختران ایلی و عشایری این خطه نیز با بستن کمربندها و شال‌بندهای سیاه اطراف زن نوحه‌خوان حلقه می‌زنند و در غم عزیز از دست‌رفته به سوگواری می‌پردازند.

گره‌خوردگی زندگی انسان با گیاه و تکرار رستاخیز نباتی سبب پیدایش بعضی باورهای اساطیری مشترک در بسیاری از اقوام است. در باورهای اساطیری، آفرینش انسان از گیاه ممکن است و انسان، تباری نباتی دارد (رستگار فسایی، ۱۳۸۸: ۳۷). در باورهای کهن دیده می‌شود که انسان قابلیت برگشت به صورت نخستین را دارد و در بعضی از روایات اساطیری، گاه روح انسان در وجود گیاه (اغلب درخت و گل) که صورت نخستین اوست، به حیات ادامه می‌دهد؛ آن‌گونه که از خون سیاوش، لاله واژگون می‌رویید (واحد دوست، ۱۳۸۷: ۳۴۳) یا بر همین اساس همین داستان است که لاله را نماد شهید در نظر می‌گیرند. گیاهان قادر هستند زندگی کنند، بمیرند و دوباره زنده شوند. چنین عملی سبب می‌شود تا انسان ابتدایی آن‌ها را چون خدایان نامیرا بداند و از این رو، آن‌ها را مقدس می‌پندارد و ستایش می‌کند. در فرهنگ مردمان کهگیلویه-

وبویراحمد چنین اعتقادی هنوز زنده است و در سوگسروده‌های آنان مشاهده می‌شود. از جمله اشعاری که با تبار گیاهی انسان در ارتباط است و کاربرد بسیاری در نزد این مردم دارد، نمونه اشعاری است که آورده می‌شود:

مُو چُو ریواس گُرم یه ریشه دارُم      باد ایا باد ایبَرُم وَ ریشه ایدرارُم  
B d ey b d ebarom va rishi ederarom / Mo cho riv s garom ya risha darom

برگردان: من همانند ریواس کوه هستم که یک ریشه دارم. باد می‌آید و مرا از ریشه درمی‌آورد و با خود می‌برد.

یا:

مُو چَویلِ گَریمِ ریشَمِ مینِ ریزه      باد ایا باد ایبَرُمِ پَرَمه ایریزه  
Bad eya bad ebarom parema erizom/ Mo chavile garayom risham mene rizom

برگردان: من سبزه چویل (نوعی گیاه خوشبو) در کوه هستم که ریشه در شنزار دارم. باد می‌آید و مرا با خود می‌برد. در این هنگام برگ‌های من می‌ریزند.

یا:

وَ چَویلِ تو بو بیه مینِ گُه غریبُم      وَ چَویلِ محضِ خاطرَمِ شادی کُ نصیبُم  
Va chavil to boo beye men ko gharibom/ va chavil mahz x teroom sh di ko nasibom

برگردان: ای گیاه چویل، تو به خاطر من که اینجا غریب هستم، عطرافشانی کن و شادی نصیبم بکن (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۸).

یا:

دشتِ پیوارِ دُمِ بَنَدیرِ چَرنگِه      مُو وَ مُردنِ رازیبُم، مردمِ ایگنِ وَهنگِه  
Dasht-e- piv r delom bandir-e- erenge / mo va mordan razi-yam mardom igon va henge

برگردان: علفزارهای خشکیده قلبم فقط منتظر جرقه‌ای است. من راضی به مردن خویش هستم و برخی را چه خیال (همان، ۱۱۴).

در اشعار ذکرشده (و همچنین نمونه‌های بسیاری از اشعار محلی) اعتقاد به تبار نباتی - گیاهی انسان دیده می‌شود. در این اشعار از گیاه ریواس نام‌برده شده است. اگرچه امروزه بر اساس اعتقادات اسلامی مردمان کهگیلویه و بویراحمد معتقدند که خدا انسان را از خاک آفریده است؛ اما در اشعارشان که به نوعی برگرفته از ناخودآگاه جمعی آن‌هاست،

تولد انسان نخستین از گیاهی به نام ریواس است. با مرگ کیومرث، نطفه او با اسپندارمزد در می‌آمیزد و پس از چهل سال که در دل زمین نگاه‌داری می‌شود، مشی و مشیانه به صورت گیاه ریواس - که یک ساقه و پانزده برگ داشت و نشانه پانزده سالگی آنان بود - از زمین رویدند؛ به‌گونه‌ای که دست آنان بر دوششان بود و از نظر رشد و منظر به هم پیوسته بودند. بعد هر دو از صورت گیاه به صورت انسان در آمدند (رضایی، ۱۳۸۳: ۵۹). پس مشی و مشیانه، نمود دو جنسیت انسانی هستند که به شکل گیاه ریواس از این نطفه می‌رویند. پس از چندی با وارد شدن جان در آنها به هیئت انسان در آمدند و حرکتی انسانی یافتند. جفت نخستین خود را به دلیل علاقه شدید به آنها می‌خورند؛ اما اهورامزدا میل به خوردن را از آنان می‌گیرد و بدین ترتیب نسل بشر از آنها به وجود می‌آید (کریستین‌سن، ۱۳۹۴: ۱۷). از نظر اساطیر ایرانی و کیش زرتشت، مشی و مشیانه را باید نخستین انسان‌های واقعی از دیدگاه دین زرتشت به‌شمار آورد؛ زیرا پس از خلقتشان اهورامزدا به آنها می‌گوید: «پدر و مادر جهانیان‌اید، شما را با برترین عقل سلیم آفریدم تا جریان کارها را به عقل سلیم به انجام رسانید...» (بهار، ۱۳۷۵: ۱۷۶). به همین دلیل است که معمولاً در بیشتر اشعار محلی کهگیلویه و بویراحمد سخن از گیاهی به نام ریواس (یا دیگر گیاهان شبیه به ریواس مانند چویل) است و بیانگر آن است که انسان از گیاه آفریده شده است و بن‌مایه‌ای برگرفته از اساطیر هندوایرانی و جامعه کشاورزی دارد. بنابراین، تکرار واژه ریواس و رساندن نژاد انسان به این گیاه مقدس در اشعار محلی این مردمان، باوری اسطوره‌ای است که اعتقاد به سپندینگی گیاه در ناخودآگاه آنان باقی مانده و تأییدی بر باور تبار نباتی انسان است که با توجه به ساختار جامعه شکارگری، دام‌پروری و کشاورزی این مردمان و محل زندگی‌شان در کوهستان‌های صعب‌العبور، در ناخودآگاه و فرهنگ آنان همچنان باقی مانده است.

#### ۴ - ۳. تحلیل بن‌مایه‌های گیاهی در آیین قربانی در زیر درخت بلوط

قربانی کردن یکی از انواع بلاگردانی و از نوع خونی است که در آن حیوانی سر بریده می‌شود. این آیین که ریشه در ایران باستان دارد، در میان مردمان کهگیلویه و بویراحمد با همان سبک و سیاق گذشته انجام می‌شود. آنان ابتدا حیوانی معمولاً نر را انتخاب می‌کنند.

سپس این حیوان را پروار می‌کنند؛ به گونه‌ای آن را که دور از سایر دام‌ها پرورش می‌دهند. این حیوان حتی راهی کوه و صحرا نیز نمی‌شود؛ زیرا معتقدند که «حیوان نباید لاغر، ناقص، بریده‌گوش، شاخ‌شکسته، درازگوش و گرگین باشد» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۸۵). پس از فرا رسیدن روز عید قربان و صبح آن روز، حیوان انتخاب‌شده را به چشمه می‌برند و آن را با آب پاک می‌شویند. دلیل این عمل آنان را می‌توان در اندیشه‌ای اسطوره‌ای جست‌وجو کرد که «سبب پاک شدن حیوان از آلودگی‌هاست تا آثار مقدس قربانی با آلودگی‌های غیردینی مخلوط نگردد» (همان، ۲۶). پس از شستن حیوان در آب پاک چشمه، به تزیین آن می‌پردازند. تزیین و آراستن حیوان معمولاً به وسیله زنان و با شانه کردن موها، سورمه‌ریختن در چشمان و حنا گذاشتن بر پیشانی و کمر حیوان همراه است. همچنین، این رسم یادآور رسم ایران باستان است که «حیوان را به جایگاهی پاک می‌بردند و پوشاک سر آن با تاج گل‌ها تزیین می‌شد» (آقاخانی‌بیژنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶). در روز عید قربان، تمامی اهل روستا بعد از حمام کردن و پوشیدن لباس‌هایی نو به بالای کوه یا کنار رودخانه‌ها و چشمه‌ها می‌روند. بیشتر مشاهده‌ها حاکی از آن است که به بالای کوه می‌روند و اگر هم کنار چشمه باشند، معمولاً چشمه‌ای را انتخاب می‌کنند که در ارتفاعات باشد. اما چرا در بالای کوه. این امر یادآور قربانی در ایران کهن روی کوه‌ها و برای الهه‌های آب و روشنایی، یعنی آناهیتا و مهر و همچنین، خورشید بوده است (لسان، ۱۳۵۵: ۶۱). این موضوع در یشت‌های *اوستا* هم ذکر شده است: «از برای او [آناهیتا] هوشنگ پیشدادی در بالای (کوه) هرا صد اسب، هزار گاو و ده هزار گوسفند قربانی کرد» (*اوستا*، آبان‌یشت: ۲۴۳). دیگر آنکه مردم معتقدند نوک کوه به آسمان نزدیک است و آسمان را جایگاه خدا و خاستگاه باران می‌دانند. این مسئله پیشینه‌ای اساطیری دارد؛ زیرا مردم معتقد بودند «نوک پشته [یا کوه] به آسمان و جایگاه خدا و خورشید نزدیک است» (هینلز، ۱۳۹۳: ۷۳).

پس از رفتن به بالای کوه، آتشی بزرگ بر پا می‌کنند، به دور آن می‌چرخند و به شادی می‌پردازند. در این هنگام زنان و مردان در کنار هم حلقه‌ای بزرگ درست می‌کنند و به خواندن اشعار محلی می‌پردازند، این عمل بیشتر از سوی زنان است و آنان

در وصف جوانان، بزرگان و حتی اموات خود اشعاری را می‌خوانند و تکبیت آن را دیگر افراد حاضر در حلقه تکرار می‌کنند. ایرانیان باستان نیز «هنگام قربانی جشن بر پا کرده و خود را با باده هوم مست می‌کردند و در حالی که از خود، بی‌خود گشته بودند، به قربانی گاو نر می‌پرداختند» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۸۲). شاهنامه‌خوانی نیز از جمله مواردی است که معمولاً به وسیله مردان و همراه با نی اجرا می‌شود. این عمل در قوم بختیاری نیز مشهود است (آقاخانی‌بیژنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷). در نزدیکی ظهر که آفتاب به نیمه آسمان رسیده است، حیوان را در کنار گودال حفر شده زیر درخت بلوط، رو به قبله روی سنگ می‌خوابانند. سپس با خواندن دعا، یکی از بزرگان روستا، چاقویی زردرنگ به قربانی حیوان می‌پردازد. تمام تلاش آن‌ها بر این است که خون حیوان قربانی شده در گودال بریزد. مقداری از خون را هم برای بلاگردانی بر سروصورت حاضران می‌پاشند؛ چرایی انجام این کار را می‌توان در اندیشه‌ای اسطوره‌ای خون جست‌وجو کرد؛ زیرا رنگ سرخ خون به دلیل نیرو، قدرت و بخشش، نماد زندگی است (شوالیه، ۱۳۸۸: ۹۱) و نشان‌گذاشتن با خون قربانی (گاو و گوسفند) بر قسمت‌هایی از بدن مانند پیشانی، صورت، سر و سینه و... نشان «باور داشتن به برکت قرمزی خون است که اصل جان پنداشته می‌شود» (مونیک، ۱۳۷۶: ۱۲۴)، عملی اعتقادی و برگرفته از آیین‌های اسطوره‌ای است که در آن خون معنای نمادین و همانندی‌های اعتقادی یا داستانی در اساطیر ایران دارد.

گفتنی است که قربانی زیر درخت یادآور یکی از «کهن‌الگوهای معروف در گستره جهان اساطیر و رویدن گیاه از خون است که این امر پیوند هر چه استوارتر خدای گیاهی را با سرسبزی و باروری طبیعت نشان می‌دهد و سرشت بارورانه آن‌ها را برجسته‌تر می‌کند» (الیاده، ۱۳۷۶: ۲۷۰).

#### ۴ - ۴. تحلیل بن‌مایه‌های گیاهی در آیین چاله‌گرم‌کنان

یکی از آیین‌های که قبل از جشن نوروز در میان مردمان کهگیلویه و بویراحمد برگزار می‌شود، آیین چاله‌گرم‌کنان است. در این آیین ابتدا مردم در دو روز مانده به جشن نوروز بر سر قبور می‌روند و آنجا را با آب شست‌وشو می‌دهند و تمییز می‌کنند. همچنین، گیاهان

خوشبویی چون اسپند و عود نیز دود می‌کنند. سپس در عصر همان روز اهالی هر خانه همراه با سبزه و به صورت دسته‌جمعی بر سر قبور می‌روند. بر سر هر قبری زنی نشسته است که ضمن خواندن سرودی غم‌انگیز (سُرو، Soro) از حاضران پذیرایی می‌کند. مردم نیز قبر به قبر می‌گردند و فاتحه می‌خوانند. این کار تا نزدیکی غروب طول می‌کشد. پس از پایان این مراسم فاتحه‌خوانی، آنان شادمان به خانه‌های خود برمی‌گردند. سپس آمادهٔ پختن برنج یا شله‌شیری (Shelasiri) می‌شوند. در این آیین هشت چوب بلوط را زیر سه پایه قرار می‌دهند. پس از روشن کردن آتش، برنج با شیر یا عدسی پخته می‌شود و به آن رازیانه نیز می‌زنند. این خوراک به وسیلهٔ دختران در بین مردمان روستا پخش می‌شود؛ در هر خانه، همهٔ افراد دور سفره جمع می‌شوند. زن آن خانه برنج را از دست دختر دریافت می‌کند و به افراد خانه می‌گوید که برای اموات مثلاً یوسف فاتحه بخوانید. آنان نیز چنین می‌کنند. سپس ظرف را می‌شویند و در آن مقداری چیز سفید رنگ به نشانهٔ روشنایی می‌ریزند و به صاحب ظرف بر می‌گردانند. این کار تا پخش کردن برنج در تمامی روستا طول می‌کشد. در شب نیز اهالی هر خانه بر سر بام و یا در کوچه آتشی برپا می‌کند و مقداری از برنج پخته‌شده را به همراه شیرینی در کنار آتش قرار می‌دهد. آنان معتقدند که ارواح قبل از جشن نوروز به خانه‌هایشان سر می‌زنند و با انجام این اعمال خشنودی آنان را فراهم می‌کنند. هدف از برگزاری این آیین، خشنود کردن روح مردگان هر خانه است. صبح روز بعد نان می‌پزند و سپس با حمام کردن و لباس نو پوشیدن خود را آمادهٔ برگزاری جشن نوروز می‌کنند.

در این آیین چند نکتهٔ مهم وجود دارد که با بن‌مایهٔ گیاهی در ارتباط است. نخست، بردن سبزه بر سر قبور همراه با خواندن سرود غم‌انگیز به وسیلهٔ زنان و شادی پس از آن و سپس روشن کردن آتش با هشت چوب بلوط است که می‌رساند رسمی بازمانده از جشن فروردینگان در ایران باستان باشد. در ایران جشن نوروز یا جشن رستاخیز با آیین مرگ و رستاخیز سیاوش (ایزد شهیدشونده گیاهی در اساطیر ایران) پیوند خورده است که بن‌مایه و نمونهٔ بارز آن را در کاشتن سبزی قبل از عید و گذاشتن آن بر سر قبور و سفره هفت‌سین می‌بینیم (رضی، ۱۳۹۲: ۲۲۷). در ایران باستان هر ساله قبل از برگزاری جشن نوروز، آیین باشکوهی در بزرگداشت ایزد گیاهی برگزار می‌شده است. معمولاً در این



جشن‌ها که به جشنِ زندگی و مرگ و ایزد گیاهی معروف بوده است، ابتدا مراسم سوگواری برگزار می‌شد و سپس گو اینکه ایزد گیاهی زنده شده است، به شادی و پای‌کوبی می‌پرداختند (همان‌جا). چنانکه همین موضوع را در آیین چاله‌گرم‌کنان مردمان کهگیلویه و بویراحمد نیز می‌بینیم.

در اعتقاد ایرانیان باستان روان‌های مردگان اساساً مقدس است و مناسکی دربارهٔ آن‌ها انجام می‌گیرد. بر اساس همین نگرش، یکی دیگر از آیین‌های مربوط به جشن نوروز، ستایش فروهرهای نیک است. ایرانیان باستان بر این باور بودند که فروهرهای نیک درگذشتگان در زمان‌هایی خاص به دیدار خانمان و خویشاوندان خود به زمین برمی‌گردند تا از خوشی و شادمانی، راستی و درستی، دین‌داری و پهلوانی، خیر و برکت بازماندگان خود شادی کنند و آنان را تقدیس نمایند (برای مطالعهٔ بیشتر رک: دورکیم، ۱۳۹۶: ۵۶). در باور آن مردمان، فروهر یکی از نیروهای مینوی است که با مرگ تن از بین نمی‌رود و برگزاری جشن فروردینگان و آیین مربوط به آن از این باور گرفته شده است. بازماندگان نیز در همین راستا، خانه و کاشانهٔ خود را پاکیزه و تمیز می‌کردند. نقل، نبات، شیرینی، سبزه و انواع خوراکی‌ها را در اتاق و بر بام‌ها می‌نهادند. از مهم‌ترین مراسم این جشن، افروختن آتش روی بام‌ها و در کوچه‌ها بوده است. در این شب لباس‌های نو به تن می‌کنند و آتش را با بوهای خوش مانند عنبر، عود و اسپند معطر می‌کنند. آن‌ها آتش را تجلی اهورامزدا و مقدس می‌دانستند (هینلز، ۱۳۹۳: ۸۶) و آن را نشان پاکی، شادی، دینداری و پیوند اقوام می‌پنداشتند. همچنین، معتقد بودند آتش نابودگر بیماری، زشتی‌های اهریمنی و تاریکی است (رضی، ۱۳۹۲: ۱۵۸). به همین دلیل دشمنی و قهر خود را به آشتی و دوستی تبدیل می‌کردند.

این رسم (جشن فروردینگان) امروزه در فرهنگ مردمان کهگیلویه و بویراحمد که اسطوره‌ها هنوز دارای پویایی ویژه‌ای هستند، وجود دارد و درست در چند روز مانده به جشن نوروز با آب و سبزه بر سر قبور می‌روند؛ چون اعتقاد دارند که ارواح درگذشته در این روز به زمین می‌آیند و از خانه‌ها و افراد خانواده دیدار می‌کنند. به همین دلیل در این روز و همچنین، شب عید هرگز ناراحتی خود را بروز نمی‌دهند و

سخنانشان همه نیک است؛ اما راز پختن برنج با هشت چوب بلوط را می‌توان در دعای آنان پیدا کرد:

مهر یارتون بو، سر پل چینوت نگهدارتون بو

Mehr yaretoon bou/ sare pole chinvat negahdaretoon bou

برگردان: مهریارتان باد و سر پل چینود(ت) نگهدارتان باد

هشت چوب بلوط به نشانه هشت یار میترا است؛ زیرا در مهریشت/اوستا (کرده ۱۰، بند ۴۵) آمده است که هشت یار مهر، بر بلندا به منزله ناظران پیمان نشسته است و پیمان شکنان را می‌پایند: «هشت تن از یاران او بر فراز کوه‌ها، همچون دیدبانان مهر بر بالای برج‌ها نشسته‌اند و نگران مهر دروجانند» (اوستا، ۱۳۹۲: ۳۶۴). مردمان کهگیلویه-وبویراحمد بر اساس همین دیدگاه و بنا بر کارکرد این ایزد در روز قیامت در داوری کردار نیک و بد مردمان بر سر پل صراط، آشی می‌پزند و برای خشنودی ارواح خود پخش می‌کنند.

##### ۵. نتیجه

با توجه به مباحث مطرح شده، در آیین‌های مردمان کهگیلویه و بویراحمد، از جمله پل‌برون، شربه‌خوانی، قربانی، بلاگردانی و چاله‌گرم‌کنان، بسیاری از بن‌مایه‌های گیاهی یافت می‌شوند که در اساطیر ایران باستان ریشه دارند.

آیین «پل برون» (گیسوئران) و شربه‌خوانی، از جمله اعمال سوگواری در فرهنگ مردمان کهگیلویه و بویراحمد است که از سوی زنان این منطقه در هنگام وفات یکی از عزیزانشان انجام می‌گیرد. پس از مرگ شخص متوفی و در هنگام خاک‌سپاری، زنان این منطقه با خواندن سرودهای غم‌انگیز، موی سر خود را بعد از گشودن و زخمی کردن صورت، می‌کنند و بر سر قبر می‌ریزند. پس از پایان مراسم تمامی موها را در زیر درخت بلوط به نشانه عزاداری و برای بلاگردانی و جلوگیری از جادو دفن می‌کنند که نمادی از مرگ است. پس از گذشت یک سال، زن بیوه از خانواده متوفی جدا و با رشد موهایش امکان ازدواج مجدد را برای خود فراهم می‌کند (نماد زندگی). پس از بازگشت به خانه متوفی، مراسم شربه‌خوانی شروع می‌شود. در این مراسم یکی از زنان فامیل که صوتی خوش دارد، در یاد متوفی شروع به خواندن سرودهای غم‌انگیز می‌کند.

تحلیل بازتاب بن‌مایه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان... \_\_\_\_\_ محمدرضا شریعتی راد و همکاران

دیگر زنان نیز بیت تک‌خوان او را زمزمه می‌کنند. برخی از اعمال زنان این منطقه مانند گشودن موی سر، زخمی کردن صورت و کندن موی سر، بریدن موی سر و ریختن آن بر سر قبر متوفی، دفن موی سر در زیر درخت بلوط، علاوه بر همسانی با آیین‌های دیگر اقوام ایرانی و متون فارسی مانند شاهنامه، نمودی اساطیری دارند.

در این آیین‌ها اشاره به گیاهانی همچون ریواس، چویل و کنگر نشان از آن دارد که با توجه به زندگی این مردمان و حفظ بن‌مایه‌های اساطیری در این مناطق، می‌توان گفت که یکسره از باورهای گیاهی برآمده از کشاورزی بُن گرفته است و نمونه زنده از میراثی است که در روزگاران گذشته در سراسر ایران رواج داشته است.

در آیین قربانی، حیوان مورد نظر پس از پروار شدن و در روز عید قربان، زیر درخت بلوط در بالای کوه و یا زیر بوته در کنار رودخانه برای رضای خدا قربانی می‌شود تا خون آن به نشانه باروری زمین ریخته شود. همچنین، مقداری از خون آن را بر سروصورت حاضران برای بلاگردانی و دفع شر می‌پاشند. این آیین با همان سبک و سیاق گذشته در میان مردمان کهگیلویه و بویراحمد انجام می‌شود که هدف از برگزاری آن، دفع شر و بلاگردانی است.

در آیین چاله گرم‌کنان، ضمن بردن سبزه بر سر قبور در پیش از عید نوروز، آشی با هشت چوب بلوط پخته می‌شود و سپس به وسیله دختران بین مردم اهالی تقسیم می‌شود. افروختن آتش روی بام‌ها و نیز در کوچه‌ها و معطر کردن فضا با بوهای خوش مانند عنبر، عود و اسپند از دیگر مناسک این آیین است. هدف از برگزاری این آیین، خشنود کردن روح مردگان هر خانه است. بنابراین، انجام آیین‌ها در میان مردمان کهگیلویه و بویراحمد سبب گردهمایی مردم و حفظ و بازتولید بن‌مایه‌های فرهنگی و گیاهی می‌شوند.

## منابع

### الف) منابع مکتوب

- اوستا (۱۳۹۲). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. چ ۱۷. تهران: مروارید.

- آفاخانی بیژنی، محمود و همکاران (۱۳۹۶). «باور بلاگردانی در قوم بختیاری». فرهنگ و ادبیات عامه. س ۵. ش ۱۴. صص ۴۹ - ۶۷.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۶). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۸۸). مبانی پارادایمی روش‌های تحقیقی کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بختیاری، علیقلی خان (۱۳۶۲). تاریخ بختیاری. چ ۲. تهران: اساطیر.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۵). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگاه.
- حسن‌زاده‌هدار، حسین (۱۳۹۵). «پل‌برون»، آیینی اسطوره‌ای در قوم لر». سایت انسان-شناسی و فرهنگ. <http://anthropology.ir/article/12167.html>
- حسینی، ساعد (۱۳۸۱). شعر، موسیقی و ادبیات شفاهی استان کهگیلویه و بویراحمد. چ ۱. یاسوج: فاطمیه.
- داوری، فریدون (۱۳۸۱). ایل احساس. چ ۱. یاسوج: چویل.
- دورکیم، امیل (۱۳۹۶). صور ابتدایی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام. چ ۶. تهران: مرکز.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۸). باورهای عامیانه مردم ایران. چ ۵. تهران: چشمه.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۸). بیکرگردانی در اساطیر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۳). «اساطیر پیدایش انسان». کتاب ماه هنر. صص ۵۸ - ۷۲.
- رضی، هاشم (۱۳۹۲). گاه‌شماری و جشن‌های ایران باستان. چ ۴. تهران: بهجت.
- روایت پهلوی (۱۳۶۷). ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زاویه، سعید و آمنه مافی تبار (۱۳۹۲). «بررسی آیین‌های اساطیری داوری ایزدی در ایران باستان». ادبیات عرفانی و اسوره‌شناختی. س ۹. ش ۳۰. صص ۱۰۱-۱۲۸.
- شوالیه، ژان و آلن گریبان (۱۳۸۸). فرهنگ نمادها. ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۴). «مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی». راهبرد فرهنگ. ش ۲۹. صص ۶۱ - ۹۱.

تحلیل بازتاب بن‌ماه‌های گیاهی در آیین‌های مردمان... \_\_\_\_\_ محمدرضا شریعتی راد و همکاران

- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۹۳). *شاهنامه*. ج ۱ - ۲. به کوشش جلال خالقی مطلق. چ ۱. تهران: سخن.
- فریزر، جیمز جرج (۱۳۸۸). *شاخه زرین*. ترجمه کاظم فیروزمند. چ ۶. تهران: آگاه.
- کرمی، محمدحسن و سید برزو جمالیان‌زاده (۱۳۹۳). «بررسی شروه‌خوانی و شروه‌سرایی به گویش - لری در شهرستان کهگیلویه». *ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین*. د ۴. ش ۱. صص ۱۵۵-۱۸۰.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۹۴). *نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران*. ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی. چ ۵. تهران: چشمه.
- کوپر، جی. سی. (۱۳۹۲). *فرهنگ نمادهای آیینی*. ترجمه رقیه بهزادی. چ ۱. تهران: علمی.
- لسان، حسین (۱۳۵۵). «قربانی از روزگار کهن تا امروز». *هنر و مردم*. ش ۱۶۷. صص ۶۰-۷۰.
- مختاریان، بهار (۱۳۸۷). «موی بریدن در سوگواری». *نامه فرهنگستان*. ش ۴ (پیاپی ۴۰). صص ۵۰-۵۵.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). *درآمدی بر ساختار اسطوره‌ای شاهنامه*. چ ۲. تهران: آگاه.
- مقصودی، سوده و پژمان شیرمردی (۱۳۹۳). «بررسی مفاهیم سوگ در قوم بختیاری با تأکید بر تحلیل - محتوای موسیقی گاگریو». *جامعه‌شناسی هنر و ادبیات*. د ۶. ش ۲. صص ۲۰۹-۳۲۹.
- مصطفوی، علی اصغر (۱۳۶۹). *اسطوره‌قربانی*. چ ۱. تهران: مؤلف.
- مونیك، دوبکور (۱۳۷۶). *رمزهای زنانه جان*. ترجمه جلال ستاری. چ ۲. تهران: مرکز.
- هینلز، جان راسل (۱۳۹۳). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه محمدحسین باجلان فرخی. چ ۴. تهران: اساطیر.
- واحد دوست، مهوش (۱۳۸۷). *نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه*. چ ۲. تهران: سروش.
- ویدن‌گرن، گئو (۱۳۷۷). *دین‌های ایرانی*. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: آگاهان‌ایده.

#### ب) منابع میدانی (مصاحبه‌شوندگان)

- آراسته، غلامحسین. ۵۵ ساله. کهگیلویه و بویراحمد. شهرستان دنا. روستای بادمگان.

- پای مرد، فایز. ۶۶ ساله. کهگیلویه و بویراحمد. شهرستان بویراحمد. روستای فیل‌گاه.
- پردل، حسین. ۷۰ ساله. کهگیلویه و بویراحمد. شهرستان چرام. روستای شیرازی.
- داوری، فریدون. ۶۵ ساله. کهگیلویه و بویراحمد. شهرستان کهگیلویه. روستای پشت‌کوه.
- شکیبایی، عمران. ۶۵ ساله. کهگیلویه و بویراحمد. شهرستان دنا. روستای بیاره.
- عسکری، علی. ۶۰ ساله. کهگیلویه و بویراحمد. شهرستان دنا. روستای کوخدان.
- غفاری، یعقوب. ۸۱ ساله. کهگیلویه و بویراحمد. شهرستان کهگیلویه. روستای موردراز.
- نیک اقبال، سهیلا. ۴۵ ساله. کهگیلویه و بویراحمد. شهرستان دنا. شهر سی‌سخت.
- نیک اقبالی. غلامحسین. ۸۵ ساله. کهگیلویه و بویراحمد، شهرستان سی‌سخت. روستای سرماهور.

## An Analysis of the Reflection of Plant Patterns in the Traditions of the People of Kohgiloye Vobir Ahmad

Mohammadreza Shariati Rad<sup>1</sup> Gholamhossein Sharifi<sup>\* 2</sup>  
Eshagh Toghiani<sup>3</sup>

1. PhD Candidate of Epic Literature, Isfahan University..

2. Professor of Persian Language and Literature, Isfahan University.

3. Professor of Persian Language and Literature, Isfahan University.

Received: 17/08/2019

Accepted: 26/10/2019

### Abstract

Rituals are among the ceremonies that bring people together and preserve and reproduce cultural monuments in every nation. Among the people of Kohgiloye Vobir Ahmad, there are rituals, rooted in the ancient Iran, that represent plant themes. Among these rituals, which are still practiced today with the same style, are the Pol Borun, reading Sharbah, the sacrificial, Balagarduni, and Chalegarm Konun. The Pol Borun ritual is performed in the absence of a woman's spouse who cuts her hair and then buries it under an oak tree. In the sacrificial ritual, the animal is sacrificed under the oak tree at the top of the mountain or under the bush by the river to shed its blood as a sign of fertility. In the ritual of Balagarduni, in addition to planting patches on the tree to keep the evil eyes away, mountain plants are also used. In the Chalegarm Konun, while taking green plants to the tombs before the New Year's Eve, some Ash (food) is cooked with eight oak sticks and then divided among the locals. The purpose of this study is to analyze the vegetative signs in the rituals of the people in Kohgiloye Vobir Ahmad and explain the literary aspects of these local poems. This research is based on the field library study, qualitative content analysis, and the semi-structured interviews. Many elements of herbal plants, such as polypropylene, mulch and smoking, shedding blood in the sacrificial rites, and pruning the graves have mythological representation in the Iranian culture.

**Keywords:** Religion, Rituals, Plant Characteristics, Kohgiloye Vobir Ahmad People.

---

\*Corresponding Author's E-mail: gsharifi22@yahoo.com

